

کتاب مفتاح المطالب تألیف احمد بن عبدالله الجمال، متوطن در موضع لالوچندان، معموله قصبه پرسرور [تلفظ کنونی: پرسرور، ضلع سیالکوت پاکستان]، در اوایل سده دوازدهم هجری، نوشته شده است. اصل نسخه خطی این متن در مجموعه آذر، دانشگاه پنجاب (ش I-28) نگاهداری می‌شود.

این کتاب شامل نامه‌ها، فرامین، مراسلات، آداب نامه‌نگاری و غیره است. مقدمه کتاب «در بعضی ضروریاتی که بعد از اتمام کتابت ایقان و اقامت آن لازم است» می‌باشد. در اینجا تنها بخش‌هایی از این کتاب که مربوط به مطالب سابق الذکر است نقل می‌شود.

* * *

استادان این فن و مجربان این دیر کهن که قدمای زمان و فضیلتی جهان بوده‌اند [۳ب] چنین گفته که قلم تراش تیز و دسته او سنگین بوده باشد.

و خوبی قلم وسطی آن است که سرخ و سفید و سنگین بوده باشد و سیاه و سخت و سست نبوده باشد، و در محل تراشیدن قلم، کاتب را باید که بندهای قلم را بر قلم نگذارد که به فال نیک نداشته‌اند و موجب بستگی کار گردد و جانب انسی او زیادت از جانب وحشی باشد.

میدان قلم در مشق و کتابت احکام و مناشیر و ترسلات که داعیه خوشنویسی داشته باشند کوتاه باید تا دست را در تحریر و ترکیب حروف قدرت تمام بوده باشد، به‌خلاف کتابت دفاتر که ایشان را میدان قلم دراز کردن بلکه آن نیز دلیل بر درازدستی و دلیری ایشان باشد.

و قلم را محرف قط باید زد آن چنان که حروف درست نوشته شود. و قلم را بر قلم قط نباید زد که به فال نیک نداشته‌اند. [۴ الف] بلکه مقط علیه علاحده نگاه باید داشت و تراشه و ریزندگی قلم را در زیر دست و پای نیندازد که متقدمین

آداب و لوازم کتابت

برگرفته از نسخه خطی «مفتاح المطالب»

تألیف احمد بن عبدالله الجمال (سده ۱۲ق)

به کوشش عارف نوشاهی*

(اسلام‌آباد)

چکیده: کتاب مفتاح المطالب، تألیف احمد بن عبدالله الجمال، ساکن لالوچندان، واقع در قصبه پرسرور [حاشیه سیالکوت پاکستان]، در اوایل سده دوازدهم ق، نوشته شده است. نسخه خطی این متن در مجموعه آذر، محفوظ در کتابخانه دانشگاه پنجاب (ش I-28)، نگاهداری می‌شود.

این کتاب شامل نامه‌ها، فرمان‌ها، مراسلات، آداب نامه‌نگاری و غیره است و در اینجا بخش‌هایی از آن که مربوط به نکته‌هایی در مسائل کتابت و لوازم کتابت می‌باشد، از جمله: کاغذ، مرکب و قلم مناسب و همچنین اعتقادات رایج در امر کتابت و نیز آداب مربوط به نامه‌نگاری نقل می‌شود.

کلید واژه: مفتاح المطالب؛ جمال، احمد بن عبدالله؛ سده ۱۲ق؛ کتابت؛ ابزار کتابت؛ آداب کتابت؛ کاغذ.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ استادیار دانشکده گوردن، راول پندی.

منع کرده‌اند و مبالغه نموده‌اند، و همچنین لازم است رعایت ریزندگی کاغذ که به سر مقراض حاصل می‌شود آن را نیز. و در کتابت اکابر و کسانی که از کاتب و خاتب به مرتبه و عمر بزرگتر باشد، بیاض بالایی کاغذ را بیشتر گذارد و بیاض حاشیه کمتر و بر کاغذ عریض بنویسد و قلم خفی اختیار نباید کرد و بین السطور گشاده نگذارد که حمل بر استخفاف کاتب شود. اگر مکتوب‌الیه از کاتب خُرد باشد، به خلاف این عمل باید نمود. اما این قواعد را فضلا و ظرفای خراسان اختیار کرده‌اند و مردم عراق که مقید نیستند به خلاف این عمل می‌نمایند. آنچه نویسند بر کاغذ و قلم جلی واقع شود و ملاحظه بین السطور و حاشیه ندارند آنکه بر حاشیه نویسند عیبی ندارد. [۴ ب] و بلکه در امثله و احکام سلاطین و حکام قلم در می‌آورند و در حاشیه و بین السطور و بالای نشان می‌نویسند. ولیکن آنچه دأب فصحا و بلغا و فضلالی خراسان است، آن است که در مکاتیب مذکوره بر حاشیه رقم کنند و در حین مقراض گوشه راست پایان کتابت را قطع نمایند که صورت ترییع را نحس داشته‌اند. کتابت اکابر و حکام را کلان‌تر باید نمود و کتابت اصاغر و مردم دنی را خُرد نوشتن عیبی تمام دارد. و اگر احياناً بر سبیل ضرورت دست دهد، تمهید معذرت را بیتی عربی یا فارسی باید نوشت. و در مناشیر و احکام خود این صورت مطلق ممنوع است. چنانچه مبالغه رفته که اگر در احکام سهوی و قصوری یابند قبل از مهر نسیه استنفا کتابت نمایند و به اصلاح مشغول نشوند تا آن حکم و نشان از شویب لعن و زیان مقصور و محصور باشد. و نیز بر کُتاب لازم است که [۵ الف] بعد از فراغ کتابت آنچه نویسند البته از اول تا آخر بخوانند و بی آنکه بخوانند مقراض نمایند و عنوان ننویسند و بعد از اتمام کتاب اندکی خاکی بر روی کتابت بپاشند که به فال نیک داشته‌اند. قال علیه الصلوة و السلام: «ترتوا کتابکم فان التراب مبارک» و به فوز نجاح مقرون می‌گردد.

و مکتوب را بی مانع بی مقراض به قاصد نسیارند و کتابت را به دست قاصد ندهند بلکه بر زمین بنهند تا بردارد. و بر کاتب لابد است که ظاهر دوات را از آلودگی و آرایش محارست نموده باطن آن را به مشک و گلاب مبخّر و خوشبوی دارد. و در محل باد و گرد یا در وقتی که خاطر را از نوائب حوادث کدورت و ملالی رسیده باشد کتابت نباید کرد و حکما و قدما محذور و ممنوع داشته‌اند به مقتضی «کل امر ذی بال». البته ابتدا به یکی از اسماء ملک متعال کنند. و بیاید دانست که بعد از تباشیر [۵ ب] صبح اسلام و ظهور اسلام و ظهور دین محمدی - علیه السلام - در اوایل مکاتبات و مناشیر هر کس به نوعی از اسماء الله چیزی می‌نوشتند تا آنکه آیه کریمه «بسم الله مجریها و مرسیها» نازل شد. بعد از آن «بسم الله» می‌نوشتند، تا آنکه آیه کریمه «ان لا تعلقوا علی و اتوتی مسلمین» شرف نزول فرمود. خطاب مستطاب پیغامبری صادر شد که «بسم الله» را به اتمام نویسند. تا روزگار عبدالملک مروان بدان نهج می‌نوشتند. و بلغای زمان او که در ایجاز و اختصار می‌کوشیدند به لفظ «هو» اکتفا کردند. غرض که به هر حال بی آنکه یکی از اسماء الله صدر مکاتبات نوشته نشود، جایز نیست.

و بعضی از فضلاء که بلاغت و فصاحت شیوه و شعار ذات خجسته آثار ایشان بوده رعایت مقام و مناسب کلام لازم داشته‌اند، چنانچه به اهل تهنیت «هو العزیز» و «هو الوهاب» و «هو الممالک» و «هو البشیر» لایق شمرده‌اند و به اهل تعزیت و مصیبت [۶ الف] «هو الصبور»، «هو الشکور»، «هو الباقی» مناسب دیده‌اند و در امثله و احکام «هو الغنی»، «هو السلطان»، «هو المستعان»، «هو القادر»، «هو التقدير» فراخور شناخته‌اند. و نیز در کتابت مناشیر و احکام تساوی بین السطور از لزوم اهل قلم است و ملاحظه باید نمود که کج نوشته نشود. چنانکه گفته‌اند:

بیت

ز گوینده باید سخن کج پدید نویسنده را دست باید بُرید

Nameh-ye Baharestan: vols. 8-9, 2007-2008, ser. nos. 13-14

Rules and Tools of Scribes in the Manuscript of *Meftāḥ al-Maṭāleb*

Dr. Arif NAUSHAHI

(Gordon College, IslamAbad)

The *Meftāḥ al-Maṭāleb*, was composed by Aḥmad b. ʿAbdullāh al-Jamāl in early 12th century (19th century AD) in present day Pakistan. It includes a number of correspondences, official orders, and epistolary rules. The manuscript is kept at the Punjab university's library as part of the Āzar collection (no. 28-I).

The present paper deals only with those parts of the book that concern scribal practices and tools, such as paper, ink, pen, and manners, customs, and beliefs of scribes.